

# نگاهی اجمالی به نخستین آشنایی‌ها با آرای فلاسفه غرب در ایران

ناصر زعفرانچی

کارشناس گروه غرب‌شناسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ماجرای ورود اندیشه‌های فلسفی مغرب زمینیان به ایران و نخستین آشنایی‌های مردم این سرزمین، توجه مورخان و محققان معاصر را به خود جلب کرده است. مطابق روایت متواتر و رایج، نخستین آشنایی‌ها با تفکر فلسفی غرب، با ترجمه کتاب گفتار در روش دکارت شکل گرفت<sup>(۱)</sup>. بانی این کار نیز کنت دو گوپینو، کارمند سفارت و وزیرمختار دولت فرانسه در ایران (در سال‌های ۱۸۵۵-۱۸۵۸ و ۱۸۶۳-۱۸۶۱ مطابق با ۱۲۷۴ - ۱۲۷۱ ق و ۱۲۸۰ - ۱۲۷۷ ق) بود. این کتاب با تشویق گوپینو و ترجمه ملالاله‌زار در سال ۱۸۶۲ م (۱۲۷۹ ق) با عنوان حکمت ناصریه یا کتاب دیاکرت منتشر شد. بعدها دو ترجمه دیگر نیز از این اثر به وسیله افضل‌الملک و فروغی منتشر شد.<sup>(۲)</sup>

نخستین اثر تألیفی هم که در آن ذکری از فلاسفه مغرب‌زمین به میان آمده، بدایع‌الحکم است، حاوی ۷ سؤال فلسفی بدیع‌الملک میرزا (شاهزاده بافضل قاجار) از ملاعلی مدرس زنوزی در این کتاب، به اسامی فیلسوفان و نویسندگانی

همچون باکن (فرانسیس بیکن)، لیبنز (لایب‌نیتس)، فنلن، بوسوت (بوسوئه)، کان (کانت)، فیشت (فیخته) برمی‌خوریم<sup>(۳)</sup>. این کتاب در سال ۱۳۰۷ ق (۱۸۸۷م) تألیف و به سال ۱۳۱۴ ق (۱۸۹۴م) منتشر شده است (یعنی ۲۴ سال بعد از اتمام مأموریت گوینو در ایران).

موضوع سخن ما دربارهٔ میزان و نحوهٔ آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های فلسفی غرب در دورهٔ گوینو و ماقبل آن است. میزان آشنایی ایرانیان با فلسفه و فلاسفهٔ غرب در آن دوران تا چه حد بوده است؟ گوینو در این باره می‌گوید:

یهودیان [ایرانی]، روحانیون دانشمندی هم دارند که بعضی از آنها در معلومات تلمودی و فلسفی متبحر هستند. روزی یکی از متبحرین آنها نزد من آمد و راجع به «اسپینزا» و مسلک فلسفی «کانت» صحبت به میان آورد و از من توضیحاتی خواست و مرا از پرسش‌های خود متحیر ساخت. اینها این افکار روشن و نام فلاسفهٔ معروف را که هیچ‌کس تصور نمی‌کند که با آنها آشنایی داشته باشند در کتبی پیدا کرده‌اند که مخصوصاً از مملکت آلمان به ایران وارد می‌کنند و مخزن آنها هم در بغداد است. (گوینو، بی تا: ۵۳)<sup>(۴)</sup>

و نیز در جای دیگر می‌گوید:

فیلسوفان ایرانی که با من آشنا هستند، بیشتر مایلند که معرفت کاملی به احوال اسپینزا و هگل پیدا کنند و علت آن هم معلوم است زیرا که افکار این دو فیلسوف آسیایی است. (همان، ص ۱۱۷)

با عنایت به این دو نقل قول، می‌توان نتیجه گرفت که:

– یهودیان ایرانی از طریق کتاب‌های موجود در بغداد – که از آلمان وارد می‌شد

– با فلاسفهٔ غربی آشنا بودند.

– فلاسفهٔ ایرانی در زمان گوینو با آرای اسپینوزا و هگل (و شاید فلاسفهٔ دیگر)

آشنایی داشته‌اند.

باتوجه به این قرینهٔ تاریخی، محور سخن ما نیز در این نوشتار بررسی همین دو مورد است. متأسفانه گوینو در اثر خود، نام این یهودیان دانشمند و یکی از ایشان را که به وی رجوع می‌کند، نمی‌آورد. اینکه این اشخاص چه کسانی بودند و نام و تحقیقاتشان چیست، ما نمی‌دانیم؛ اما براساس مدارک موجود می‌دانیم که یهودیان ایران در آن روزگار با یهودیان اروپا و فلسطین ارتباط فرهنگی داشته‌اند.<sup>(۵)</sup>

نگاهی اجمالی به نخستین آشنایی‌ها با آرای فلاسفه غرب در ایران ۱۶۹

اما دربارهٔ محور دوم، یعنی آشنایی ایرانیان با فلاسفه غرب، نخست لازم است به وضعیت ترجمه آثار غربی و چگونگی انتقال آرای متفکران غربی به ایران، نگاهی بیندازیم.

نخستین ترجمه‌ها در زمان عباس میرزا و به دستور او انجام شد. بعد از آن، ترجمه در دورهٔ صدارت امیرکبیر و فعالیت دارالفنون، رونق دوباره گرفت<sup>(۶)</sup>. بررسی عناوین و محتوای این ترجمه‌ها می‌تواند رهگشای ما باشد. ابتدا فهرستی از این ترجمه‌ها عرضه می‌کنیم<sup>(۷)</sup>. این فهرست شامل آثاری است که از دوران سلطنت فتحعلی شاه تا زمان انتشارگفتار در روش دکارت در سال ۱۲۷۹ ق/ ۱۸۶۲ م ترجمه و تألیف شده‌است.

- ولتر: تاریخ پترکبیر، شارل دوازدهم، تاریخ اسکندر، ترجمه میرزا رضا مهندس، تبریز، ۱۸۱۹ م/ ۱۲۳۵ ق.

- گیبون، ادوارد: تاریخ تنزل و خرابی دولت روم، جلد اول، ترجمه میرزا رضا مهندس، ۱۲۴۷ ق.

- تاریخ ناپلئون اول، ترجمه محمدرضا تبریزی، ۱۲۵۳ ق/ ۱۸۳۷ م، انتشار ۱۲۵۷ ق/ ۱۸۴۱ م.

- تاریخ ناپلئون بناپارت، ترجمه میرزا رضا مهندس، ۱۲۶۶ ق/ ۱۸۴۹ م (به دستور امیرکبیر و برای مطالعه ناصرالدین شاه از زبان فرانسه ترجمه شد).

- تاریخ محاربات فرانسه با پادشاهان قرال نمچه و روس موسوم به حوادث‌نامه، ترجمه محمدرضای تبریزی (ترجمه از زبان ترکی).

- تاریخ اسکندر، ترجمه محمدعلی خان پسر حاجی بیجن‌خان، ۱۲۶۳ ق.  
- دکتر کرمیک: تعلیم‌نامه در اعمال آبله‌زدن، ترجمه میرزا محمدبن عبدالصبور، ۱۲۴۵ ق (ترجمه از انگلیسی).

- کتاب چین، ترجمه ادوارد بورجس، ۱۲۶۲ ق (این کتاب به دستور بهمن میرزا پسر عباس میرزا از زبان انگلیسی ترجمه شده‌است).

- کتاب‌های نظامی گیبرت (در دورهٔ عباس میرزا ترجمه شده‌است).

– آیین نامه‌های مانور پیاده‌نظام (در دوره عباس میرزا ترجمه شده است).  
 – تاریخ امپراتور نیکلا و وقایع سی سال سلطنت او، ترجمه موسیو ریشاردخان فرانسوی و دوست علی‌خان معیرالممالک، ۱۲۷۵ ق/ ۱۸۵۸ م، جلد اول.  
 – جهان‌نمای جدید یا جغرافیای کره، ۱۲۷۳ ق (این کتاب به دستور امیرکبیر نخست به وسیله جان داود از انگلیسی به ترکی ترجمه شد و سپس محمدحسین دبیرالملک فراهانی آن را به فارسی ترجمه کرد).  
 آثار تألیفی این دوره نیز حائز توجه است<sup>(۸)</sup>. در این زمینه، به عناوین زیر برمی‌خوریم:

- عبداللطیف شوشتری: تحفة العالم، ۱۲۱۶ ق/ ۱۸۰۱ م.
- میرزا ابوالحسن شیرازی ایلچی: حیرت‌نامه سفر.
- سلطان‌الواعظین: سفرنامه و سیاحتنامه سلطان‌الواعظین، ۱۸۱۶ م.
- آقا احمد کرمانشاهی: مرآت الاحوال جهان‌نما.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا: فلک‌السعادة، ۱۲۷۸ ق.<sup>(۹)</sup>
- معزالدوله، بهرام میرزا: نظام ناصری، ۱۲۶۷ ق.
- محمد هاشم صفوی رستم‌الحکماء، قانون سلطنت، ۱۲۵۱ ق.

بررسی این آثار ترجمه‌شده و تألیفی نشان می‌دهد که هیچ‌یک از آنها در زمینه آرای فیلسوفان مغرب‌زمین و مکاتب فلسفی اروپا، بحث مبسوط و قابل اشاره‌ای ندارد. در بعضی از این آثار، به‌خصوص آثار تألیفی، اشاره‌هایی به فلسفه می‌شود<sup>(۱۰)</sup>؛ اما از بحث مستقل فلسفی خبری نیست و در واقع پرداختن به فلسفه و آرای فلاسفه مغرب‌زمین، مسئله هیچ‌یک از این نویسندگان و مترجمان نبوده است. نتیجه‌گیری ما در این قسمت آن است که اهل فلسفه در ایران و در عهد وزیرمختاری گوینو از طریق آثار ترجمه‌شده به زبان فارسی و یا آثار تألیفی متأثر از فرهنگ و تمدن غربی، با آرای فیلسوفان مغرب‌زمین آشنا نشده‌اند.

اما براساس روایت گوینو، «فیلسوفان ایرانی که با من آشنا هستند، بیشتر مایلند که معرفت کاملی به احوال اسپنزا و هگل پیداکنند». در مرحله نخست، باید روشن

شود که این فیلسوفان ایرانی چه کسانی هستند؟ خود گوینو به فهرست کسانی که با ایشان دیدار کرده است، اشاره‌ای نمی‌کند و او شرح مفصلی از احوال ملاهادی سبزواری می‌دهد (گوینو، بی تا: ۸۵) و سپس فهرستی از فلاسفه و دانشمندان ایرانی ارائه می‌کند. (۱۱)

گویا گوینو در ایران بیشتر از هرکس دیگر با آقاعلی مدرس<sup>(۱۲)</sup> مرآوده داشته است و این احتمال هست که او از گوینو درباره فلاسفه غرب، اسپینوزا و هگل، سؤال کرده است. چنین به نظر می‌آید که آقاعلی مدرس، پیش از آنکه با گوینو آشنا بشود، با فلاسفه غرب آشنایی اجمالی داشته است. اما چگونه؟ این آشنایی از طریق ترجمه‌های فارسی امکان‌پذیر نبود؛ چرا که چنین ترجمه‌هایی وجود نداشت. اما گویا از طریق ترجمه‌های عربی این آشنایی حاصل شده بود. منبع ما در این زمینه، روایت مدرسی چهاردهی است که می‌گوید: «آیا آقاعلی حکیم از کجا به فلسفه غرب آشنا شد؟ با آنکه تنها کتاب دکارت ترجمه شده بود! دانشمند بزرگوار آقا سید جلال‌الدین تهرانی<sup>(۱۳)</sup> مرا گفت: چون در آن زمان آبای یسوعی در بیروت کتاب‌ها و رساله‌ها در دانش و هنر و فرنگستان به عربی می‌نوشتند، ممکن است که آقاعلی حکیم به وسیله آن نوشته‌ها به فلسفه اروپا آشنا شده باشد. در تأیید نظر ایشان، چند کتاب در فلسفه از علمای لاهوت مسیحی به دستم آمد که در همان زمان‌ها از زبان فرانسه به عربی ترجمه و منتشر شده بود.» (مدرس چهاردهی، ۴۳۰:۱۳۴۷)



بی‌شک، ناگفته‌ها در این مقوله فراوان است و با به دست آمدن منابع جدید می‌توان بر منابع دانایی افزود و سیر ورود فلسفه غربی به ایران را بهتر ردیابی کرد.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. بنگرید به: آدمیت، فریدون: اندیشه ترقی و حکومت قانون با عصر سپهسالار، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶، فصل اول، ص ۲۱-۱۷.
۲. استاد ارجمند آقای دکتر کریم مجتهدی در دو مقاله با مشخصات زیر، اطلاعات

ارزشمندی دربارهٔ دو ترجمهٔ ملالاله زار و افضل‌الملک از رسالهٔ دکارت عرضه کرده است:

«نخستین ترجمهٔ فارسی گفتار در روش دکارت»، مجلهٔ راهنمای دکارت، سال هجدهم، شماره‌های ۱ و ۲ و ۳، فروردین و اردیبهشت و خرداد ۱۳۵۴.

«افضل‌الملک، مترجم رسالهٔ گفتار در روش دکارت»، مجلهٔ راهنمای کتاب، سال هجدهم، شماره‌های ۴ و ۶، تیر و شهریور ۱۳۵۴.

۳. بنگرید به:

– مجتهدی، کریم: «بدیع‌الملک میرزا عمادالدوله و اولین فیلسوف فرانسوی»، مجلهٔ راهنمای کتاب، سال نوزدهم، شماره‌های ۱۲ - ۱۱، بهمن و اسفند ۱۳۵۵؛

– مجتهدی، کریم: «نگاهی به فلسفهٔ غرب و کلام سنتی ایران؛ درآمدی بر مباحثهٔ ملاعلی مدرس زنوزی و بدیع‌الملک میرزا»، کیهان فرهنگی، سال هشتم، مهر ۱۳۷۰، شمارهٔ پیاپی ۷۶.

مؤلف در مقالهٔ اخیر، با استناد به ۴ نامهٔ بدیع‌الملک به حاج محمدحسن امین‌الضرب نشان می‌دهد که «بدیع‌الملک میرزا – لااقل به‌نحو ذهنی – به مسائل فلسفهٔ مقایسه‌ای توجه داشت و به احتمال مقرون به یقین بعضی از سؤال‌های خود را با در نظر گرفتن نوعی فلسفهٔ غرب که در سنت افکار نوکانتی بوده، مطرح کرده است و این در ایران صد سال پیش کاملاً بی‌سابقه و استثنایی است». گفتنی است که این نامه‌ها در سال ۱۳۰۶ هجری قمری (۱۸۸۶ م.) به‌رشتهٔ تحریر درآمده است.

۴. دربارهٔ گوینو، محققى به‌نام شمان (G. Schemann) کتابی با عنوان منابع و تحقیقات دربارهٔ زندگانی گوینو در سال ۱۹۱۴ م. منتشر ساخت. مرحوم جمال‌زاده اسناد مربوط به ایران این کتاب را در مجلهٔ یغما (دورهٔ چهاردهم) منتشر ساخته است. به‌علاوه، گزارش‌های کنت دوگوینو در بایگانی سفارت فرانسه در تهران ضبط است. ژان هی تیه (J. Hytier) از این گزارش‌ها نسخه‌برداری کرد و آن نسخه‌ها را با نسخه‌های بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه تطبیق داد. در سال ۱۳۳۸ شمسی، دختر او آدرین دوریس هی تیه این اسناد را با مقدمهٔ جامعی منتشر کرد.

۵. منبع ما در این باره، اثر حبیب لوی با مشخصات زیر است:

لوی، حبیب. ۱۳۳۹. تاریخ یهود ایران. تهران: انتشارات بروخیم.

در این کتاب، دکتر لوی دربارهٔ یهودیانی که در آن روزگار به ایران سفر کرده‌اند، اطلاعاتی به‌دست می‌دهد. برای نمونه: «دکتر یعقوب ادوارد پلاک یهودی اهل بوهم در ۱۸۵۱ – معلم تشریح و جراحی در مدرسهٔ نظام تهران که توسط ناصرالدین‌شاه تأسیس شده بود و در سال ۱۸۵۵ طبیب شخصی شاه شد – می‌نویسد: نزدیک همدان به دو مسافری که از اورشلیم می‌آمدند، برخوردارم که عازم هند برای جمع‌آوری اعانه بودند و تصدیق‌نامه‌ای هم در دست

داشتند. یکی از آنها اهل مجار بود و دومی یونانی ساکن اورشلیم و شخص اخیر زبان‌های ایتالیائی - عربی - ترکی و عبری را می‌دانست و آنها به سمرقند و بخارا و قندهار و هرات و بلخ برای دیدار برادران خود عازمند...» (ج ۳، ص ۶۵۲)

به‌علاوه، در آن روزگار شهر بغداد محل تجمع یهودیان ایرانی به این شهر رفت و آمد داشتند. ۶. فریدون آدمیت در کتاب امیرکبیر و ایران، گزارشی مشروح از این ترجمه‌ها (و تألیف‌ها) به‌دست می‌دهد. مطابق این گزارش، «در دوره امیر، کتاب‌های نسبتاً زیادی از اروپا به ایران رسید. در ۱۲۶۵، تعداد دویست و نود و سه جلد کتاب و سیصد و بیست و سه قطعه نقشه جغرافیایی عالم یکجا از فرانسه آمد، که برای آن زمان رقم مهمی است... از نظر موضوع می‌توان به چند رشته تقسیم کرد: علوم طبیعی، صنعت، زراعت، تجارت، اقتصاد و مالیه، سیاست و قوانین، معدن‌شناسی، تربیت حیوانات اهلی و خانگی، پرورش درختان صنعتی و میوه، باغبانی، صنوف سه‌گانه نظام لشکری و فنون جنگی، طب و بیطاروی». بنگرید به: آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، انتشارات خوارزمی، چاپ هفتم، ۱۳۶۲، بخش ۱۹.

۷. منابع ما در جمع‌آوری این فهرست (که بی‌شک ناقص بوده و باید تکمیل شود) این آثار بوده‌است:

- براون، جی. ادوارد و تربیت، محمدعلی. ۱۳۴۱. تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت. ج ۳. ترجمه رضا صالح‌زاده. انتشارات کانون معرفت.

در این کتاب، مؤلفان فهرست کتاب‌های تألیفی و تنظیم‌شده معلمان قدیم و جدید مدرسه دارالفنون، فهرست کتاب‌های منتشر شده معلمان مدرسه سیاسی، فهرست کتاب‌های تألیف و تصنیف معلمان قدیم و جدید مدرسه نظامی، کتاب‌های متفرقه ترجمه و تألیف، و کتاب‌های تألیفی محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه مراغه را ارائه داده‌اند. جمع این آثار به ۱۶۰ می‌رسد.

- محبوبی اردکانی، حسین. ۱۳۵۴. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- بالائی، کریستف. ۱۳۷۷. پیدایش رمان فارسی، ترجمه مهوش قدیمی و نسرین خطاط. تهران: انتشارات معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه.

در این اثر، بالائی متون چاپ‌شده، نسخه‌های خطی بی‌تاریخ و دستنویس‌ها را از سال ۱۲۳۵ ق. / ۱۸۱۹ م. تا سال ۱۳۲۱ ق. / ۱۹۰۳ م. آورده‌است.

- مولانا، حمید. ۱۳۵۸. سیر ارتباطات اجتماعی در ایران. انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.

در این کتاب، به‌خصوص در فصل‌های دوم و سوم آن، اطلاعات ارزشمندی درباره وضع نشر در دوره قبل از قاجاریه ارائه شده است.

۸. در جمع‌آوری این آثار از این اثر نیز استفاده شده است:

حائری، عبدالهادی. ۱۳۷۲. نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب. تهران: انتشارات امیرکبیر.

ما در اینجا تنها به آثاری اشاره کرده‌ایم که متأثر از فرهنگ غربی به رشته تحریر درآمده‌اند.

۹. علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، وزیر علوم بود و در انتشار رساله دکارت نیز دست داشت.

بنگرید به: آدمیت، فریدون، ۱۳۵۶، اندیشه ترقی و حکومت قانون یا عصر سپهسالار، تهران:

انتشارات خوارزمی، ص ۱۷ و ۲۴-۲۲.

۱۰. برای نمونه: «حکما و دانشمندان در تمام مملکت یورپ و فرنگستان خاصه در

انگلستان سر از گریبان برآورده، حکمت رواج یافت؛ و ستیز میان سران کلیسا با «پادریان» بالا

گرفت و «هریک از آن دو طایفه را به استیصال دیگری مصروف شد». فیلسوفان انگلیس «به ادله

و براهین حکمی، طریقه پاپا و پادریان را باطل و عظیمی که آن فرقه را در نظرها بود، عاطل

گردانیدند». در پی این رویدادها، پادشاه انگلیس «مقرر نمود که حکما انجیل را به زبان انگلیسی

ترجمه نمایند تا تمامی اهل آن مملکت به آن عمل نموده، محتاج به پادریان نشوند.»

(سلطان‌الواعظین، سفرنامه و سیاحتنامه سلطان‌الواعظین در هند، ص ۸۵-۱۷۹؛ به نقل از حائری،

عبدالهادی، نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، ص ۳-۲۹۲).

۱۱. «فهرستی که من از فلاسفه و دانشمندان ایرانی ارائه می‌دهم، بسیار ناقص است؛ زیرا که

این فهرست شامل نام کسانی است که از ۱۶۶۶ میلادی تا امروز به تدریس اشتغال داشته‌اند.

ولی باید دانست که بسیاری از فلاسفه ایرانی از خودنمایی دست کشیده و در گوشه و کنار این

مملکت منزوی بوده و هستند و هنوز هم به مطالعه موادی که چندین سال زحمت تحصیل آنها

را کشیده‌اند، اشتغال دارند.

صورتی که من از فلاسفه شهیر ایران تنظیم می‌کنم، از ملاحظه‌ها به بعد است؛ و باید دانست

که مقصود من، تنظیم صورتی است از طبقه فیلسوفان، نه حکمای الهی. اشخاصی که من نام

خواهم برد، رسالتی هم در حکمت الهی نوشته و غالباً در روی اصول و افکار ماوراءالطبیعه که

به اصطلاح ملاحدی بوی کفر از آنها استشمام می‌شده، سرپوشی قرار داده‌اند.» (گوبینو، بی تا: ۸۹)

درباره این فهرست و چگونگی تنظیم آن، مرتضی مدرس چهاردهمی معتقد است شخصی

که «صورت علمای روحانی ایران» را برای گوبینو نوشته، آقای علی مدرس، صاحب کتاب

بدایع‌الحکم، است. بنگرید به: مدرس چهاردهمی، مرتضی، «دو فیلسوف شرق و غرب، آقای

علی حکم - کنت دوگوبینو»، مجله وحید، سال پنجم، شماره مسلسل ۵۲، فروردین ۱۳۴۷، ص

منوچهر صدوقی‌سها نیز به دو نفر که گوبینو با ایشان دیدار کرده‌است، اشاره می‌کند: یکی



## نگاهی اجمالی به نخستین آشنایی‌ها با آرای فلاسفه غرب در ایران ۱۷۵

آفاعلی مدرس و دیگری آقا میرزا حسن چینی که گوینو ظاهراً او را با نام میرزا حسن حیلانی ذکر کرده است. بنگرید به: صدوقی سها، منوچهر، ۱۳۵۹، تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدرالمآلهین، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ص ۸۸. درباره فلاسفه و حکمای معرفی شده در این کتاب، ذکر این مطلب حائز توجه است که نویسنده گویا همین فهرست گوینو (و به عبارت دقیق‌تر، فهرست آقای علی مدرس) را بسط داده است.

۱۲. آفاعلی مدرس (۱۳۰۷ - ۱۲۳۴ ق). درباره مشروح زندگینامه و فهرست آثار و نام استادان و شاگردان وی، بنگرید به: صدوقی سها، منوچهر، ۱۳۵۹، تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدرالمآلهین، ص ۱۵۵-۱۵۹.

۱۳. درباره شرح زندگینامه و فهرست آثار وی، بنگرید به: مُشار، خانابابا. ۱۳۴۰، مؤلفین کتب چایی و فارسی - عربی، ج ۲ (ب - ح)، ص ۳۶۱ - ۳۶۰.

### کتابنامه

گوینو، کنت دو. بی تا. مذاهب و فلسفه در آسیای وسطی. ترجمه م. ف. بی جا.  
مدرسی چهاردهی، مرتضی. اردیبهشت ۱۳۴۷. «دو فیلسوف شرق غرب»، مجله وحید، س ۵،  
ش مسلسل ۵۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شمیم شاہد  
پرتال جامع علوم انسانی  
مطالعات فرہنگی